

بحران آذربایجان و دیپلماسی دولت حکیمی

دکتر فواد پورآرین^۱

حسین رهبریان^۲

چکیده:

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین مشکلات زیادی به لحاظ سیاسی و اقتصادی در کشور ایجاد شد و انتظار می رفت با توجه به اعلامیه مشترک کنفرانس تهران، دول متفق نیروهای خود را حداکثر پس از ششماه از پایان جنگ خارج سازند. با وجود آنکه آلمان در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ تسلیم شد و جنگ در اروپا به پایان رسید ولی متفقین زمان پایان جنگ را تسلیم ژاپن در روز ۱۱ شهریور ۱۳۲۴ قرار دادند. هنوز یک روز از پایان جنگ جهانی نگذشته بود که فرقه دمکرات در ۱۲ شهریور تشکیل شد و اعلام خودمختاری کرد. فرقه دمکرات از سوی دولت شوروی مورد حمایت سیاسی و نظامی بود و در واقع مساله آذربایجان در فضای جنگ سرد قرار گرفت. به همین دلیل حل مساله آذربایجان احتیاج به یک دیپلماسی فعال و حساب شده داشت. درباره ی بحران آذربایجان پژوهشهای شایانی صورت گرفته است و بیشتر این پژوهش ها با تاکید بر دوره ی دولت قوام بوده اما این نوشته در پی آن است، بحران آذربایجان در دوره ی دولت حکیمی را مورد بررسی قرار دهد که این دولت در رفع بحران آذربایجان چه اقداماتی را انجام داد و چه موانعی را پیش رو داشت و اقدامات دولت حکیمی با توجه به فضای سیاست داخلی و خارجی چه نتایجی را در پی داشت. انجام این تحقیق نشان می دهد که بحران آذربایجان در فرآیند آزمون های سیاسی متفاوت قرار گرفت که بخشی از این فرآیند در دوره ی دولت حکیمی انجام شد و وی موفقیت هایی در این زمینه داشت.

واژگان کلیدی: آذربایجان، کنفرانس مسکو، انجمن های ایالتی و ولایتی، سازمان ملل، حکیمی.

۱. استادیار تاریخ دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران)

زمینه های برآمدن دولت حکیمی و فرقه دمکرات آذربایجان

زمینه های بحران آذربایجان پیش از دولت حکیمی اتفاق افتاد. برخی بر این باورند که رد کردن امتیاز نفت شمال و تحریم انتخابات از سوی مجلس شورای ملی از جمله دلایل بحران آذربایجان بود. یکی دیگر از اقدامات مجلس در ایجاد بحران، رد کردن اعتبارنامه پیشه وری نماینده آذربایجان در ۲۳ تیر سال ۱۳۲۳ بود. پیشه وری در سوم شهریور سال ۱۳۲۴ به تبریز آمد و در ۱۲ شهریور فرقه دمکرات را تشکیل داد و در بیانیه یی تقاضای آزادی داخلی و مختاریت مدنی برای مردم آذربایجان کرد و در همانروز حزب توده آذربایجان الحاق خود را به حزب دمکرات اعلام کرد. برخی از تحلیلگران بر این باورند که یکی از دلایل بحران آذربایجان اقدامات اختناق آمیز دولت «صدرالاشراف» علیه گروههای چپ بود. صدر برای محدود کردن گردهمایی های عمومی در تهران به حکومت نظامی متوسل شد و حدود ۴۸ مجله وابسته به دفتر حزب مرکزی حزب توده را اشغال و بیش از ۱۰۰ تن از کادر حزبی آن را دستگیر کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۶۷). مسائل آذربایجان در دوره ی دولت صدر در حالی رخ داد که دخالت های نیروی نظامی شوروی بعد از جنگ جهانی در مسائل داخلی در زمینه های مختلف همچنان ادامه داشت و ایجاد بحران از سوی شوروی در استان های شمالی دور از ذهن نبود زیرا نیروهای نظامی شوروی در حدود ۷۵ هزار نفر در استان های شمالی مستقر بود و این نیرو با کمک حزب توده می توانست مشکلات زیادی را ایجاد کند چنانچه پیش از تشکیل فرقه دمکرات، در دوره ی دولت صدر، قیام افسران خراسان و شورش در ساری و فیروز کوه با پشتیبانی شوروی صورت گرفت. دولت صدر درحالی که به آرامی قضیه افسران خراسان و شورش در ساری را پشت سر می گذاشت با مشکل جدیدی که فرقه دمکرات در آذربایجان ایجاد کرده بود، باید دست و پنجه نرم می کرد که به دلیل مخالفت دکتر مصدق با دولت، صدر در ۲۹ مهر ۱۳۲۴ استعفا داد و ابراهیم حکیمی در دوم آبان با ۷۵ رای از ۹۴ رای مجلس فرمان نخست وزیری گرفت.

انتخاب حکیمی به نخست وزیری در این برهه زمانی از سوی مجلس شورای ملی دلایل مختلفی می توانست داشته باشد. بعد از کنار گیری صدر الاشراف گزینه ی برای نخست

وزیری مناسب بود که بتواند بحران آذربایجان را حل کند. ابراهیم حکیمی از چند جهت نسبت به صدراشرف برای حل بحران آذربایجان برتری داشت. حکیمی برخلاف صدر از رجال باسابقه خوشنام مشروطه خواه که در دوره ی رضا شاه از سیاست برکنار بود و همچنین وی فرزند آذربایجان و چند بار نمایندگی تبریز در مجلس را برعهده داشت. این ویژگی ها همگی شرایط را برای نخست وزیری او مهیا می کرد اما از دیگر دلایل آن بود که برخی از نمایندگان برای اینکه به کابینه اول حکیمی در خرداد ماه هیچ فرصتی ندادند، می خواستند فرصت دیگری به حکیمی بدهند و از سویی برخی از نمایندگان که شرایط را برای نخست وزیری قوام مهیا می کردند، کابینه حکیمی را کابینه محلل می دانستند تا با سقوط کابینه، قوام را در شرایط بهتر روی کار بیاورند.

برنامه ها، اقدامات و موانع

مهمترین ماموریت دولت جدید، حل بحران آذربایجان بود که روز به روز وخامت و پیچیدگی آن بیشتر می شد. حل مساله آذربایجان در درجه اول در گرو خروج نیروهای نظامی شوروی بود و ابراهیم حکیمی در همان اولین روز های تشکیل دولت تصمیم داشت مستقیما با مسکو مذاکرات را آغاز کند. حکیمی از مورخ الدوله سپهر که رئیس هیات مدیره شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی بود خواست که لوازم ملاقات او با کاردار سفارت شوروی را فراهم نماید. مورخ الدوله در خانه اش ملاقات دوستانه ای میان یعقوب اف کاردار و آشورف مستشار سفارت را با نخست وزیر ترتیب می دهد و کاردار و مستشار در پایان مذاکره وعده دادند که هواپیمای روسی به تهران بیاید و نخست وزیر ایران را با تحلیل و تکریم به مسکو ببرد. مورخ الدوله در خاطراتش عنوان می کند که کاردار و مستشار شوروی از وی خواستند اقدامی به عمل آورد که وزرای بی طرف به عضویت کابینه حکیمی دعوت شوند و از امثال هژیر بهره‌یزند. در حالی که دو روز بعد از این ملاقات، دولت کابینه را تشکیل داد و مخصوصا وزارت مالیه به هژیر داده شد. مورخ الدوله اعتقاد دارد که همین عمل کوچک عواقب بزرگ به بار آورد، روس ها هواپیما نفرستادند و حتی از وارد شدن در مذاکره سرباز زدند (سپهر، ۱۳۷۴: ۱۷۸).

خاطرات مورخ الدوله این نکته را می‌رساند که حکیم الملک پیش از آنکه کابینه اش را در ۱۲ آبان معرفی کند و فرقه دمکرات در آذربایجان، حکومت مستقل تشکیل بدهد قصد داشته به مسکو برود و با مذاکره از حوادث احتمالی آینده جلوگیری کند ولی جریان مذاکرات تقویت نشد ولی به نظر نمی‌رسد که حضور هژیر در کابینه موجب قطع مذاکرات شده باشد چرا که هژیر معمولاً در اکثر کابینه های بعد از شهریور ۱۳۲۰ حضور داشت و حتی در کابینه قوام که موفق شد با شوروی در مسکو مذاکره کند حضور پررنگی در کابینه داشت اما حکیمی برای رفتار ملایم با شوروی سه پست وزارت را به نمایندگان شمالی طرفدار شوروی داد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۶۷) و مرتضی قلی خان بیات را که با شوروی روابط دوستانه داشت به استانداری آذربایجان منصوب کرد. حکیمی در ادامه سیاست ملایم با شوروی سعی کرد در همان آغاز کار از افزایش محدودیت بر مطبوعات و حزب توده و جمعیت های آزادیخواه جلوگیری نماید و از تسلط مطلق حکومت نظامی بکاهد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ۲۷۲) اما با آغاز جنگ مسلحانه فرقه دموکرات و محاصره پادگان تبریز، دولت تصمیم گرفت پادگان آنجا را تقویت کند.

در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ م (۲۵ آبان) دولتشاهی کفیل استانداری آذربایجان، سرتیپ درخشانی فرمانده لشکر و سرهنگ همایونی فرمانده ژاندارمری در تلگرافی که به تهران فرستادند اوضاع آذربایجان را تشریح کردند. غروب همان روز در تهران جلسه فوق العاده بین وزیران تشکیل شد. سرلشگر ریاضی وزیر جنگ درباره مسلح کردن اهالی آذربایجان و آغاز شورش گزارش داد. در این جلسه تصمیم گرفته شد با مقامات سفارت شوروی در تهران مذاکرات شود (حسنلی، ۱۳۸۳: ۶۷-۷۸). ۱۷ نوامبر (۲۶ آبان) میان سرلشگر ریاضی و «سرهنگ رازین» وابسته ی نظامی سفارت شوروی در تهران ملاقاتی صورت گرفت. در این دیدار سرلشگر ریاضی نگرانی دولت ایران را از تشکیل دسته های مسلح شبهه انگیز در آذربایجان ابراز داشت. وی از «سرهنگ رازین» خواست که مقامات شوروی اجازه دهند یک گروهان از رضاییه به خوی منتقل شود و برای لشکر تبریز از تهران ۲۴ حلقه لاستیک اتومبیل و نیز برای عملیات آموزشی فشنگ فرستاده شود. او همچنین خواهش کرد که به مرتضی قلی خان بیات استاندار جدید اجازه دهند که با هواپیمای شوروی به محل ماموریت خود تبریز پرواز کند. ریاضی به اطلاع سرهنگ

رازین رساند که دولت حکیمی برای برقراری روابط حسنه با شوروی از همه امکانات خود استفاده خواهد کرد (حسنلی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹). «نیروی اعزامی از تهران به آذربایجان مرکب از سربازان پیاده نظام و موتوریزه و ژاندارم به فرماندهی سرکار سرهنگ امجدی بعدازظهر یکشنبه ۲۴/۸/۲۷ به کرج وارد. و ساعت چهار بعدازظهر دوشنبه ۲۴/۸/۲۸ به طرف قزوین حرکت نمودند» (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۶۵۶). شب ۲۹ آبان در دیزج و شریف آباد به طرف طهران مامورین شوروی به وسیله یک گروهان سرباز و چهار تانک و زره پوش نیروی اعزامی را متوقف و از حرکت آنها جلوگیری نموده اند. (مرکز اسناد ملی، شماره بازپایی ۲۹۳/۳۷۳۲)

با توقف نیروهای اعزامی در شریف آباد حوادث بدتری پیش رو بود. اعضای حزب دمکرات آذربایجان کنترل اردبیل، سراب میانه، مراغه و میاندوآب را به دست گرفتند و دسته های بزرگی به سوی زنجان و دسته ی دیگری به طرف تهران در حال پیشروی بودند. گزارش های ارتش و ژاندارمری ایران حاکی است حزب توده در گیلان و مازندران نیز خود را برای دسته بندی در عملیات ضد دولتی آماده می ساخت و شایع شده بود که شورش در تهران در روز ۲۲ نوامبر (۱ آذر) اتفاق خواهد افتاد (بیانی، ۱۳۶۶: ۲۵۵). حکیمی برای آنکه شدت مخالفت حزب توده را کاهش دهد در دوم آذر، ۱۳ نفر از اعضاء حزب که بازداشت شده بودند آزاد کرد و در ۵ آذر نمایندگان روزنامه های توقیف شده را به حضور پذیرفت و آزادی روزنامه های آنها را به ایشان ابلاغ کرد و تقاضا نمود با دولت وی همکاری نمایند. نمایندگان جرائد نیز متقابلا تقاضا نمودند که ارفع را از ریاست ارتش برکنار و حکومت نظامی را لغو کند و کلوپهای اشغال شده را آزاد کند که طبیعتا هیچ کدام از آنها در اختیار حکیمی نبود با این حال وی دستور داد، کلوپ حزب اراده ملی متعلق به سید ضیاء و احزاب دیگر را ببندند تا تبعیضی در کار نباشد(خامه ای، ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۶۲). ستاد ارتش ایران به ریاست ارفع به نوعی حکومت دوگانه را در قدرت ایجاد کرده بود و این ناهماهنگی یکی از چالشهای دولت بود که به همین دلیل بعد از مدتی ارفع از ریاست ستاد ارتش در دوره ی قوام کنار گذاشته شد. ارفع که با دولت صدر همکاری نزدیکی داشت و اقداماتش موجب رنجش گروههای چپ شده بود

در دوره ی دولت حکیمی همچنان اعتقاد به اقدامات خشونت آمیز علیه فرقه دمکرات و حزب توده داشت که حکیمی سعی کرد از اقدامات خشونت آمیز ارفع جلوگیری کند. ستاد ارتش ایران طرح‌هایی برای دفاع از تهران تهیه کرده و دستور داده بود که باید راه تهران - قم، به هر قیمت باز و آزاد نگاه داشته شود. زیرا این موضوع برای دریافت قوای کمکی از جنوب و نیز انتقال احتمالی پایتخت به اصفهان، حیاتی بود. در تهران، ناظران و آگاهان بر این باور بودند که آن چه در آذربایجان می‌گذرد، چیزی نیست که به وسیله ی مردم انجام می‌گیرد بلکه این شوروی‌ها هستند که عملیات نظامی را هدایت می‌کنند و حکایت از عملیات نظامی دقیق و طرح ریزی شده دارد. چنان که این عملیات دو خط اصلی از آستارا به بندر پهلوی و دیگری از سوی زنجان به قزوین و تهران را مشخص می‌کند. از سوی دیگر، ارتش خود را آماده کرده بود تا در صورتی که عناصر مسلح فرقه بخوانند از راه آهن برای رسیدن به تهران استفاده کنند، مسیر راه آهن را منفجر کند (بیانی، ۱۳۶۶: ۲۶۸).

حکیمی در چنین شرایطی سعی کرد همزمان سیاست اعتراض و مذاکره با شوروی و برانگیختن آمریکا و انگلیس علیه شوروی به کار برد. وزارت خارجه در ۲۶ آبان، در ۱۰ ماده، اعتراض خود را به دخالت های شوروی در امور سیاسی و نظامی و قضایی کشور به سفارت شوروی اعلام کرد. در ۵ آذر سفارت شوروی پاسخی به یادداشت ایران داد که در یادداشت خود موارد ادعایی ایران را تکذیب و انکار کرد (اطلاعات، ۵۹۲۲: ۶-۱). شوروی نه تنها مشکلات به وجود آورده را نمی پذیرفت بلکه همچنان به دخالت‌های خود در کشور ادامه داد. به طور مثال در هشتم آذر، فرمانده گروهان ژاندارمری کرج برای پرداخت حقوق افراد جمعی با ناظر هزینه، توسط سربازان شوروی از رفتن وی به ماموریت، در کرج ممانعت نمودند (اسناد وزارت خارجه، کارتن ۱۲، پرونده ۵. ۳:۴). اعتراض کتبی به اقدام عملی نیروی شوروی در جلوگیری از اعزام نیرو به استان آذربایجان محافل سیاسی و مطبوعاتی جهان را به حمایت از ایران برانگیخت. ایران ناچار موضوع را با توضیحات کافی به اطلاع دولتین امریکا و انگلیس رساند و بلافاصله امریکا یادداشت تندی به دولت شوروی فرستادند و متذکر شد که دولت آمریکا معتقد است: «دولت ایران می تواند برای حفظ اقتدار خود و برای استقرار امنیت داخلی با کمال

آزادی، بدون مداخله مقامات نظامی یا کشوری شوروی و انگلیس و آمریکا، نیروهای مسلح خود را به طوریکه لازم می‌داند در ایران به حرکت آورد، و ضمناً کشورهای متفق می‌باید موجبات تخلیه قطعی ارتش خود را از ایران تا اول ژانویه ۱۹۴۶ فراهم و عملی سازد» (زهتاب فرد، ۱۳۷۳: ۱۶۲). دولت انگلیس نیز در یادداشتی توسط سفیر خود در شوروی تسلیم آقای مولوتف می‌کند. مستر بوین وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس عوام از حقانیت ایران دفاع کرد و اعزام نیرو به استان‌های شمالی را از حقوق حقه ایران دانسته و مداخله و جلوگیری شوروی را عملی ناشایسته و برخلاف انتظار تلقی کرد و بوین با اظهار تعجب از این اقدام شوروی پیشنهاد داد بهتر است دولت شوروی برای ثبوت حسن نیت خود و محترم شمردن مفاد اعلامیه اول دسامبر تهران احترام به امضا استالین رسماً از ایران عذرخواهی کرد و از مطبوعات آزاد جهانی دعوت کرد که در ایران حضور به هم رسانده و ناظر عدم مداخله شوروی در ایران باشند (زهتاب فرد، ۱۳۷۳: ۱۶۳).

چنین شرایط وخیمی که آشفتگی و هراس در مقامات بالای کشوری و لشگری حکمفرما بود، حکیمی را واداشت که مذاکرات را با مسکو دوباره از سر بگیرد. دولت ابراهیم حکیمی به نحوی جدی این فکر را سبک و سنگین می‌کند که برای مذاکره با شوروی یک هیئت سه نفره که قوام را نیز دربین داشت را به مسکو اعزام دارد. حکیمی همزمان به دنبال آن بود که از طریق دولت آمریکا اهرم فشاری علیه شوروی ایجاد کند. با ارسال نامه ای از دولت آمریکا در ۲۳ نوامبر ۱۹۴۵م (دوم آذر) خطاب به اتحاد شوروی و بریتانیا که در آن پیشنهاد شده بود که نیروهای متفقین تا اول ژانویه ۱۹۴۶ از ایران خارج شوند، دولت ایران تصمیم گرفت که سفر هیئت مزبور را به مسکو تا خاتمه یافتن بحران به تعویق افکند (ناتالیایگوروا، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره آذر و دی ۱۳۸۳: ۱۲۴).

حکیمی از یک طرف تحلیل می‌کرد که مواضع آمریکا و انگلیس به نفع ایران تا چه اندازه به روی سیاست‌های شوروی تاثیر گذار هست تا چنانچه مواضع آمریکا منجر به عقب نشینی شوروی می‌شود، هیئت اعزامی به شوروی را به تعویق بیاندازد. اما از طرفی، امتیازاتی که شوروی در مذاکرات می‌خواست به آن برسد باید مورد تحلیل و

ارزیابی دولت حکیمی قرار می گرفت. امتیازاتی که شورویها خواستار آن بودند به طور خلاصه به قرار زیر است:

۱- امتیاز نفت شمال ۲- داشتن حقوق حمل و نقل هوایی نه تنها بین شوروی و تهران بلکه بین تهران، تبریز و مشهد ۳- داشتن نوعی موقع مخصوص در بندر پهلوی، کنار دریای خزر ۴- موافقت در باب در اختیار گرفتن شاهراه آستارا، رشت، قزوین. از میان این امتیازات دولت حکیمی خودش را آماده می کرد که امتیاز داشتن حقوق حمل و نقل هوایی شوروی به تهران و تبریز و مشهد را به استثنای حق حمل و نقل هوایی داخلی را در جریان مذاکرات مطرح کند (بیانی، ۱۳۷۵: ۲۶۴).

حکیمی با هدف مسئولیت بخشیدن به نمایندگان مجلس، آنان را مستقیماً در سیاست دولت نسبت به آذربایجان مشارکت داد و از مجلس دعوت کرد که شانزده نماینده از کلیه فراکسیون های موجود تعیین شوند تا کمیسیونی برای بررسی موضوعات مربوطه تشکیل دهند و راهنمایی های لازم را در مورد اقدامات دولت به عمل آورند. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۶۳) همچنین وی یک شورای عالی ملی با عضویت خودش و موتمن الملک، قوام، صادق طباطبایی، بهاءالملک قره گوزلو، علی منصور برپا گردید (روزنامه اطلاعات، شماره ۵۹۲۹: ۶) تا رجال باسابقه را نیز در سیاست دولت دخیل دهد، به خصوص حکیمی سعی داشت که از قوام به نحو مطلوبی استفاده کند. قوام تقریباً فرد مورد نظر شوروی بود و حکیمی در آن زمان با قوام رابطه ی خوبی داشت و و این دو از آغاز مشروطه از نظر فکر سیاسی نزدیک به هم بودند و حکیمی در کابینه ی قبلی قوام سمت وزیر مشاورى او را داشت، با این حال قوام از مشکلاتی که دولت پیش رو داشت، استفاده و خودش را برای نخست وزیری آماده می کرد و راغب نبود که مشکلات به دست حکیم الملک حل شود (سپهر، ۱۳۷۴: ۱۷۸).

کنفرانس مسکو و کمیته سه جانبه

این کنفرانس بار دیگر وزرای خارجه شوروی، آمریکا و بریتانیا را کنار هم گرد آورد. کنفرانس مسکو امیدواری زیادی در حل مساله آذربایجان در دولت حکیمی ایجاد کرد اما حزب دمکرات و شوروی سعی داشتند تا قبل از آغاز کنفرانس مسکو کار آذربایجان

را خاتمه داده و دنیا را در مقابل عمل انجام شده ای قرار دهند. (اطلاعات، شماره ۵۹۴۹: ۳) سرلشگر درخشانی فرمانده پادگان تبریز طی تلگرافی به حکیمی اطلاع داد که اگر تا ساعت ۹ شب ۲۲ آذر تسلیم نشویم، دمکرات ها با کمک نیروهای شوروی به ما حمله خواهند کرد (حسنلی، ۱۳۸۳: ۹۷). در حالی که کنفرانس مسکو در ۲۵ آذر آغاز می شد پادگان تبریز و مراغه در روز ۲۳ و ۲۴ آذر و پادگان رضاییه در ۲۸ آذر تسلیم شدند. دولت شوروی در کنفرانس مسکو میل داشت قضایای مربوط به ایران را در موضوع های کوچک و جزیی قرار دهد و یا اینکه در دستور کار کنفرانس قرار نگیرد. (اطلاعات، شماره ۵۹۴۱: ۱) پیمان ۱۹۴۲ به ایران حق می داد که در هر موقع که امور مربوط به ایران از طرف سه دولت معظم مورد بحث است مطالب خود را بگوید. حکیمی نخست وزیر و نجم الملک وزیر امور خارجه ایران هنگامی که کنفرانس مسکو در آستانه برگزاری بود در شرف حرکت به سوی مسکو بودند ولی دولت شوروی با آن مخالفت می کند در صورتی که بوین هم موقعیکه به سوی مسکو حرکت کرد امیدوار بود ایران بتواند در کنفرانس شرکت کند. در لندن به این علت که به نمایندگان ایران اجازه ندادند در کنفرانس وزیران امور خارجه در مسکو حاضر یابند ناراحتی اشان افزایش یافته بود. (خاور، شماره ۱۰۸: ۲)

مستر بوین در کنفرانس مسکو پیشنهاد نموده بود که این کمیته سه نفری شامل دولت انگلستان، آمریکا و شوروی به ایران اعزام شود و یکی از کار های این کمیته این باشد که نقشه انجمن های ایالتی و ولایتی را در کلیه استان های ایران و در ضمن آنها استان آذربایجان پیشنهاد نظارت کند. به نظر می رسد این پیشنهاد بوین یعنی لزوم تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی، طرح بولارد سفیر انگلیس در ایران بوده است که مدتها بعد از شهریور ۲۰ آن را دنبال می کرده است اما با توجه به مساله آذربایجان بولارد بار دیگر در ۶ آذر در طی تلگرافی به وزارت خارجه پیشنهاد می دهد:

«در برابر این امر پیشنهاد من این است که موضوع آذربایجان را به حد و ابعاد حقیقی خود محدود کنیم که مانند یک حکومت محلی و نه خودمختار جلوه بدهیم و از این راه شاید بتوانیم به نحو احسن در تمام مناطق روش حکومت محلی را به تدریج به مرحله عمل درآوریم. ضمناً دولت ایران بلکه بتواند مخالفت های افکار عمومی را در مورد

آذربایجان برای حصول استقلال و تمامیت ارضی خود به کار گرفته از آن استفاده نماید (...). به طور کلی باید گفت که گوش تهران تا زمانیکه یکی از استان‌ها دچار بی‌نظمی نشود به هیچ توصیه‌ای بدهکار نیست. آشوب در آذربایجان بدون تحریک شورویها و کمک آنان هرگز نمی‌توانست ابعاد کنونی را به خود بگیرد اما این آشوب در آذربایجان هم شکایاتی داشته که دیر یا زود و به نحوی موثر به شورشی علیه مقامات فاسد و ناروای که از تهران مامور شده‌اند منجر می‌گردد. تمام عوائد کشور در تهران مصرف می‌رسد و آنچه باقی می‌ماند پس از پرداخت‌های مربوط به ارتش و ژاندارمری در وزارتخانه‌هایی خرج می‌شود که کار زیادی هم نمی‌کنند» (بیانی، ۱۳۷۵: ۳۱۱ - ۳۱۳).

بنابراین اگر چه طرح انجمن‌های ایالتی با نظارت کمیته سه جانبه به طرح بوین معروف است ولی بولارد در آن تاثیر ویژه‌ای داشت به طوری که حتی روسها هواپیمایی به تهران فرستادند تا بولارد در کنفرانس مسکو شرکت کند و اطلاعاتش را درباره‌ی مساله ایران بدهد. (بولارد و اسکراین؛ ۱۳۶۲: ۱۲۷).

به هر شکل دولتین شوروی و آمریکا ابتدا با پیشنهاد مستر بوین درباره اعزام این کمیته به ایران موافقت نمودند و حتی مولوتف اصلاحاتی در باب پیشنهاد انگلیس ارائه داد که کلیه‌ی آنها به جز یک نکته که مبهم بود مورد قبول بوین قرار گرفت ولی بعداً دولت شوروی از موافقت بدوی خود صرف‌نظر کرد به این بهانه که مسئله ایران به این شکل در دستور جلسات کنفرانس قرار نداشته است. (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۲: ۱۲۷). به نظر می‌رسد دلیل اصلی تغییر نظر دولت شوروی، توجه به گزارش کمیسیر بخش خاورمیانه وزارت خارجه شوروی بوده است. در یادداشت کمیساریای امور خارجه پیشنهادات زیر ملاحظه می‌شد:

« ۱- حذف مسئله خروج نیروهای متفقین از ایران از دستور کار کنفرانس سه وزیر خارجه. در صورت عدم پذیرش پیشنهاد ما مبنی بر انضمام مسئله، خروج نیروهای آمریکا و انگلیس از چین و یونان از سوی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها. ۲- در صورتی که مسئله خروج نیروهای متفقین از ایران در هر حال مورد بحث قرار گیرد ما می‌توانیم با توجه به مواضع برنس و بوین در مورد خروج نیروهای آمریکا و انگلیس از چین و یونان،

تا آنجایی که به موضوع خروج نیروهای شوروی از ایران مربوط می‌شود یا از هرگونه تعهد جدیدی اجتناب کنیم و یا «امتیازهای» مشخصی گرفته و با خروج نیروهای شوروی از ایران در اسرع وقت ممکن موافقت کنیم. مشاوران مولوتف همچنین توصیه کردند که با هرگونه پیشنهاد احتمالی از سوی بوبین و برنس مبنی بر اعزام قوای جدید ایرانی به آذربایجان و یا اعزام یک کمیسیون ویژه از طرف متفقین به ایران برای بررسی وضعیت مخالفت شود، چرا که مداخله در امور داخلی ایران محسوب می‌شد» (ناتالیا یگوروا، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

کنفرانس مسکو در ۵ دیماه به پایان رسید ولی قضیه ایران و ترکیه از مسائلی بود که در لیست کارهای کنفرانس مزبور بود و حل نشد. تفاوت قضیه ایران با دیگر مسائل در کنفرانس این بود که ایران در ردیف کشور های متفق بود در حالی که محور اصلی بحث کنفرانس مسکو راجع به دولت هایی بود که سابقا جزو دولت محور بودند و متفقین صریحا در امور داخلی آنها دخالت کردند. به طور مثال در کره سه دولت متفق موافقت کردند برای استقلال کشور کره، کمیسیونی برای ۵ سال با شرکت ۴ کشور قیومیت داشته باشد و یا در ژاپن شورای کنترل تحت نظر از سه کشور متفق تشکیل شد و در کشور هایی چون بلغارستان و رومانی نیز دخالت های آشکاری صورت گرفت. اما در مورد ایران که جزو دول متفق محسوب می شد سه دول بزرگ نتوانستند صریحا در امور داخلی ایران دخالت کنند خاصه آنکه مساله ایران میان دول بزرگ موجب اختلاف شدید بود. جیمز برنس وزیر خارجه آمریکا بعد ها در کتابش موسوم به «گفتگوهای بی پروا» در مورد مساله ایران در کنفرانس مسکو می گوید:

«نسبت به حسن نیت دولت شوروی بدگمان تر شدم، زیرا واقعا مضحک است کسی سی هزار قشون آزموده و مجهز شوروی را یک هزار و پانصد نفر نظامی ایرانی که نه تحت تعلیمات کافی قرار گرفته و نه سلاح های عالی در اختیار داشتند و قصدشان این بود که از طریق جاده ی شوسه از تهران به آذربایجان بروند بهراسند و از عزیمت این عده به بهانه ی این که وجود آنان ممکن است اختلالی در نظم نواحی شمال غربی ایران پدید آورد جلوگیری کنند. من به استالین خاطر نشان کردم که اگر تخلیه ایران از قشون سرخ عملی نگردد مسلما موضوع در نخستین جلسه ی سازمان ملل متحد مطرح خواهد

شد و این موضوع که دول بزرگ تعهدات خود را نسبت به دول کوچک انجام نمی دهند بسیار جالب توجه خواهد گرفت. «(آرامش، ۱۳۶۹: ۵۹)

کنفرانس مسکو برای دولت حکیمی که امید زیادی به موفقیت در آن داشت، بی نتیجه ماند و به همین دلیل مجلس شورای ملی که تا پایان کنفرانس مسکو به دولت مهلت داده بود، با شکست کنفرانس، دولت را استیضاح کرد. محمدرضا تهرانی در نهم دی به «دلیل عدم توانایی دولت در جلوگیری از پیشامدهای اخیر آذربایجان و اصلاح اسفناک ادارات دواير دولتی و قوانین مملکتی و رفع مشکلات سیاست خارجی و ندادن استعفا با تذکراتی که مکرر داده شده» دولت را استیضاح کرد. (صورت مذاکرات مجلس چهاردهم، شماره ۲۵۷: ۱)

بولارد سفیر بریتانیا در ایران در بازگشت از مسکو در ۱۱ دیماه ۱۳۲۴ به ملاقات نخست وزیر حکیمی رفته پیشنهاد بوین را درمورد تشکیل کمیسیونی از سه قدرت بزرگ برای مطالعه و رسیدگی به اوضاع ایران و نظارت بر انتخابات ارائه نمود. (درخشانی، ۱۳۸۴: ۴۵) با وجود آنکه دولت شوروی در کنفرانس مسکو در آغاز کار با پیشنهاد تشکیل کمیته سه جانبه موافقت کرد و آخر سر آنرا رد نمود دولت انگلستان هنوز به رای خود باقی ماند. این نکته همراه با مواضع اولیه شوروی کنفرانس مسکو و با توجه به پیشنهادات کمیساریای امور خارجه شوروی نشان می دهد که انگلیسیها احساس می کردند، بعد از تایید طرح بوین از سوی دولت و تصویب مجلس ایران، می توانند به نحوی با شوروی نیز به تفاهم برسند. پیشنهاد کمیسیون ۱۱ ماده بود و ماموریت اصلی آن نظارت بر انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی بود ولی برخی از بندهای آن که ممکن بود با استقلال و حاکمیت ایران منافات داشته باشد نگرانیهایی را ایجاد کرد.

برخی مخالفین با کلیت پیشنهاد کمیته سه جانبه مخالف بودند و و آن را «طرح انگلیسی» می دانستند و با قرارداد ۱۹۰۷ مقایسه می کردند که نقشه ی تجزیه ایران را کشیده اند. آنها اعتقاد داشتند که «انگلیسیها برای آنکه نقشه منحوس و مرگبار خود را به مرحله عمل درآورند بی میل نبودند آذربایجان را به حلقوم روسها بیاندازند تا خودشان خوزستان را با ضمیمه نمودن به خاک عراق به تصرف خود درآورند.» (درخشانی، ۱۳۸۴: ۴۵) ولی برخی منتقدین در جزئیات و با برخی از بند های آن مخالف

بودند زیرا آنرا معارض با استقلال و حاکمیت ایران می دانستند. به طور مثال بند ششم آن که می گوید کمیسیون مزبور اصلاحاتی را که در انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی به نظرشان لازم می رسد توصیه خواهد نمود و یا در بند هفتم می گوید که کمیسیون توصیه هایی در باب استعمال زبان های اقلیت از قبیل عربی و ترکی و کردی جهت تعلیمات در مدارس خواهد نمود و در بند نهم می گوید که سه دولت مساعی لازم به کار خواهند برد که دولت ایران را متقاعد سازد توصیه هایی را که از طرف کمیسیون به عمل می آید به صورت قانونی در آورد. برخی نیز اعتقاد داشتند که وساطت امریکا و انگلیس در حل اختلاف ما با دولت شوروی ضرورتی ندارد و مصلحت در این است که ما اختلافات خود را به وسیله مذاکرات مستقیم با دولت شوروی حل نماییم و دیگران را در این کار دخالت ندهیم و اگر قوام السلطنه نخست وزیر بشود می تواند روابط حسنه با شوروی برقرار سازد. اما موافقین کمیسیون سه جانبه، استدلال می کردند که کمیسیون وسائل تخلیه فوری ایران را از ارتش های خارجی فراهم می نماید و ماموریت خواهد داشت که وضع آذربایجان را دقیق بررسی کند و اگر نهضت دمکراتها مصنوعی و به تحریک خارجیها برپا شده است را متوقف سازد و اگر عملیاتی در ایران شده است که مخالف با پیمان سه گانه و اعلامیه تهران و منشور آتلانتیک بوده و معارض با استقلال و تمامیت ایران است واضح و آشکار سازد و از آن جلوگیری نماید. همچنین وساطت دولت های آمریکا و انگلیس در حل اختلافات کنونی از دو جهت مطلوب است یکی اینکه دولت کنونی کوشش بسیار نموده است که مذاکرات مستقیم را بادولت شوروی برقرار سازد ولی جواب های دولت شوروی به یادداشتهای دولت ایران موجبات را فراهم کرده است و دیگر اینکه دولت های امریکا و انگلستان هم ضامن استقلال ایران می باشند و پشتیبانی آنها از تقاضا های حقه ایران باعث تقویت و تحکیم موقعیت ایران خواهد بود (ندای آزادی، شماره ۵۰: ۹۲).

در چنین شرایطی، ابراهیم حکیمی طی نامه ای به وزیر مختار ایران در آمریکا و انگلیس می خواهد که نظر شان در مورد طرح کمیسیون سه جانبه بگویند. حسین علاء وزیر مختار ایران در آمریکا در نامه ی به حکیمی مخالف تشکیل کمیسیون سه جانبه است. به نظر علاء ماموریت این کمیسیون با استقلال ایران منافات دارد و پیشنهاد می کند که

اگر انگلیسیها می خواهند به نفع ما میانجیگری کنند از طریق سفرای انگلیس و امریکا و روس را که همه کس بهتر به این اوضاع آشنا هستند با دولت ایران مشورت هایی کرده و دولت ایران «مبتکرا اجرا و رفع غائله را بنمایند» و اگر انگلیسیها از کمیسیون مزبور نمی توانند صرف نظر کنند و معتقدند که روسها به غیر از آن راضی نمی شوند حداقل اقدامی کنند که کمیسیون «از طرف شورای امنیتی، جلسه عمومی سازمان بین المللی تعیین شود و مانند سایر اقدامات صلح آمیزی که شورای امنیت یا جلسه عمومی برای رفع اختلافات بین دول می تواند نماید این کمیسیون را هم تعیین نمایند که وضعیت ما را از حالت اقدام انفرادی دخالت سه دولت مستقیما در کار ایران خارج نموده به دست یک سازمان بین المللی بدهند بلکه روسها بیشتر ملاحظه کرده و کار از مجرای طبیعی خود خارج نشده باشد» (بیانی، ۱۳۷۵: ۳۳۹-۳۴۰) اما سید حسن تقی زاده وزیر مختار ایران در انگلستان اعتقاد دارد که «در تدقیق موضوع باید مضرات قطعی و احتمالی این طرح را با اشکالات فعلی و مفساد احتمالی که در صورت رد آن پیش تواند آمد درست سنجیده» شود. به نظر تقی زاده «هر عملی که باعث تقسیم مملکت به مناطق سر بسته خارجی و لو در تحت لفافه و پرده و به صورت خوش ظاهر باشد مقاومت شود که نتیجه دست شستن انگلیس از ولایات شمال و بی علاقه گی به آن نقاط، واگذاری به نفوذ روس ها (...) و استقرار نفوذ انگلیس که قسمت های دیگر مملکت و شاید ارتباط آنها با انجمن های آن نقاط نظیر بند و بست های غیر علنی قدیم با قوانین و امراء محلی جنوبی و مرکزی ایران تواند شد» (بیانی، ۱۳۷۵: ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵).

حکیمی در ۱۷ دیماه پیش از آنکه لایحه را تقدیم مجلس کند در نامه ای به تقی زاده برخی از مشکلات و موانع موجود را با همفکر قدیمی خویش در میان می گذارد. وی در این نامه ابراز می کند که قرار بود موضوع ایران را در مجمع ملل متفق مطرح کرده که دولت انگلیس با آن مخالفت کرد و به جای آن طرح کمیسیون سه جانبه را مطرح کردند که «مواد غیرقابل» داشت و با اصلاحاتی که پیشنهاد شد سفارت انگلیس با آن مخالفت می کند «به عذر اینکه آن طرح بدوا مورد تصویب شوروی واقع و بعد معوق مانده و اگر تغییرات اساسی در آن داده شود شوروی نخواهد پذیرفت». حکیمی بیان

می‌کند که انگلیسی‌ها «می‌خواهند دولت به زبان ترکی، کردی و عربی که نام آنها را اقلیت گذارده‌اند رسمیت دهند و به کمیسیون که می‌آید اجازه بدهد درباره اصلاح قانون انجمن ایالتی و ولایتی پیشنهاد هایی بدهد گر چه آن پیشنهادها مطابق قانون اساسی هم نباشد و ماده ی هم در طرح هشت که از آن استشمام می‌شود شاید می‌خواهند نیروهای خودشان را حتی بعد از دوم مارس هم در ایران نگاهدارند» (بیانی، ۱۳۷۵؛ ۳۴۲، ۳۴۳)

حکیمی با توجه به مخالفتها و مشورت های صورت گرفته پیشنهاد کمیسیون سه جانبه را برای تقدیم به مجلس با اصلاحاتی تنظیم کرد. در اصلاحات صورت گرفته حکیمی با اضافه کردن دو نماینده از طرف دولت ایران، کمیسیون سه جانبه را پنج جانبه کرد و حداکثر مدت ماموریت این کمیسیون شش ماه یعنی تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۶ (۲۴ تیر ۱۳۲۵) تعیین کرد. حکیمی در بندهای دیگر کمیسیون سعی کرد اصلاحاتی را انجام دهد که متفقین را به تعهدات قبلی پایبند کند و استقلال کشور محفوظ بماند. به طور مثال در اصلاحیه تاکید شده که پیشنهادات کمیسیون باید در چهارچوب قانون اساسی مشروطیت باشد و با وحدت ملی مغایرت نداشته باشد و به تایید دولت و تصویب مجلس نیز برسد (بیانی، ۱۳۷۵؛ ۳۴۲-۳۴۳) البته دولت حکیمی حتی به این اصلاحات هم خیلی راضی نبود اما ناچار بود برای نشان دادن حسن نیت دولت آن را اجرا کند اگر چه اصلاحات در پیشنهاد، مورد رضایت انگلیسیها نبود. حکیمی پیش از آنکه پیشنهاد را تقدیم مجلس کند با برخی از نمایندگان مجلس از جمله دکتر مصدق در مورد موضوع مذاکره کرد و معلوم شد که در مجلس با پیشنهاد مخالفت سختی خواهد شد. به همین دلیل هژیر وزیر مالیه در ۲۰ دی از طرف دولت در پاسخ به نمایندگان رسماً در مجلس شورای ملی اعلام کرد که دولت ایران این پیشنهاد را رد کرده است (اطلاعات، ۵۹۵۶؛ ۶).

با رد شدن پیشنهاد طرح مستر بوین، حکیمی شانس دیگری برای حل بحران آذربایجان داشت. حکیمی در ۲۹ آذر دستور اجرای قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را که پیشنهاد دکتر مصدق در ۲۸ آذر در مجلس نیز بود، با انجام اصلاحاتی در قانون به وزارت کشور داد. احیای قانون انجمن های ایالتی و ولایتی از خواسته های اصلی فرقه

دمکرات بود که در واقع طرح بوبین نیز اجرای همین قانون با نظارت سه کشور امریکا و انگلیس و شوروی بود که با رد شدن آن پیشنهاد، حکیمی همچنان به دنبال آن بود که انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی را بدون دخالت خارجی به اتمام برساند. قانون انجمن های ایالتی بعد از شهریور بیست بر سر زبانها بود ولی هیچ دولتی به آن تمایل نداشت تا اینکه مساله آذربایجان این قانون را به صورت جدی مورد توجه قرار داد. صدراشراف اهمیت چندانی به قانون انجمن های ایالتی نداد و برای اینکه مساله آذربایجان به این قانون پیوند خورده بود؛ دولت ناچار بود وعده هایی در باره ی اجرای قانون انجمن های ایالتی بدهد. اما نگاه و سیاست حکیمی نسبت به این قانون از روی فریبکاری و عوام فریبی نبود. زیرا او از نمایندگان دوره های اول مشروطیت بود و در تصویب این قانون نقش داشت و همچنین وی بعد از حل قضیه آذربایجان در دولت سوم خود در سال ۱۳۲۷ همچنان به دنبال اصلاح و اجرای این قانون بود و به طور کلی بحث احیای قانون انجمن ایالتی یک راهکار برای انجام اصلاحات اداری و اقتصادی بود و به همین دلیل دولتهای بعد از حکیمی همچون هژیر و رزم آرا این قانون را جزو برنامه های اصلی خود قرار دادند که مساله نفت این برنامه های اصلاحی را تحت شعاع قرار داد. به هر شکل مقدمات انتخابات انجمن های ایالتی در دیماه آغاز شد. در شهرهای مشهد، نیشابور، ساری، شاهرود، بیرجند، کاشان، فیروزکوه، شاهی، بابل، گلپایگان، ایلام، ملایر، کردستان، قزوین و.... تعرفه توزیع شد و انتخابات همچنان تا بعد از استعفای حکیمی تا پایان سال ادامه داشت. انتخابات انجمن ها اگر چه یک راهکار مناسبی برای حل بحران آذربایجان به نظر می رسید ولی «عیب کار در اینجا بود که در آن موقع اجرای چنین برنامه ای خیلی دیر شده بود و نمی توانست از گسترش توقعات روز افزونی که در آذربایجان و کردستان ظاهر می شد جلوگیری نماید» (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۲، ۱۲۴)

شکایت به سازمان ملل متحد

ابراهیم حکیمی در طی سه ماه نخست وزیری چندین مرتبه قصد داشته به سازمان ملل شکایت بکند که به دلایلی این شکایت به تاخیر می افتاد. یک بار با پیگیری طرح

موضوع کمیسیون سه جانبه از سوی انگلیسیها و مخالفت آنها با طرح موضوع در سازمان ملل، شکایت ایران منتفی شد. سید حسن تقی زاده در خاطراتش می گوید: «عنوان شکایت را بر حسب دستور رئیس الوزراء ایران که مرحوم حکیم الملک بود من تهیه کرده بودم و می خواستم در موقع خود به دفتر سازمان ملل متحد بفرستم. انگلیسیها خیلی به دست و پا افتادند که این کار به عمل نیاید. عنوانشان این بود که این سازمان حکم بچه نوزاد دارد و حالا که برای دفعه اول تشکیل می شود خوب نیست، موضوع این کار ممکن است کمر سازمان را بشکند.» شکایت به سازمان تا روز ۳۱ دسامبر (۱۱ دیماه) مهلت داشت که تقی زاده می گوید انگلیسیها همان روز ۳۱ دسامبر ناسخ حکم را از دولت ایران گرفتند و شکایت طرح نشد. (تقی زاده، ۱۳۶۸: ۲۷۱-۲۷۲)

حکیمی بار دیگر در همان نامه ی ۱۷ دیماه، به تقی زاده بیان می کند که با وجود مخالفت انگلیس با طرح موضوع در مجمع ملل نباید سکوت کرد و به نظر وی «اگر نتوانیم موضوع را طرح کنیم از طرف روس و انگلیس ضرر های دیگری به ما خواهد رسید» (بیانی، ۱۳۷۵: ۳۵۴-۳۵۵). دکتر مصدق نیز در ۲۱ دیماه در نامه ای به حکیمی عنوان می کند در صورتی که «دولت نتواند قضیه آذربایجان را به طور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل است» (اطلاعات، ۵۹۵۶: ۱) اما سید حسن تقی زاده در ۲۳ دی در نامه ای به حکیمی نخست وزیر، که خواستار طرح موضوع در مجمع ملل متفق بود، پاسخ می دهد که «طریقه ی حلی را که رخنه اساسی بر استقلال و تمامیت حاکمیت و منافع حیاتی وارد نیلورد بر طرح موضوع در مجمع ملل متحد یا شورای امنیت مقدم است». تقی زاده با طرح موضوع به طور عجولانه در سازمان ملل مخالف است و اعتقاد دارد، در طرحی که انگلیسیها داده اند نباید بیش از اندازه مایوس و بدبین شد و در موضوع کمیسیون باید همچنان مذاکره کرد و «با مهیا شدن به برخی گذشت های غیرقابل تحمل در صورت امکان راه حلی پیدا کرد و آن راه را در مقابل حالت فعلی و از دست دادن آذربایجان و غیره گذاشت» به نظر تقی زاده بردن موضوع به مجمع ملل «فقط شکایت و فریادهایی بیش نخواهد بود» و تا زمانی که موضوع کمیسیون در تهران تحت مذاکره هست طرح در مجمع موجب مخالفت انگلیس و آمریکا خواهد شد ولی با این حال «می توانیم بدون اینکه

موضوع را در مجمع طرح کنیم نطقی در موضوع گرفتاری های خودمان و نظر دنیا را به خود جلب کنیم و اگر اقدامات برای حل قضیه به نتیجه نرسید از مجمع تقاضا می کنیم که موضوع ایران را در دستور کار بیاورد.» (بیانی، ۱۳۷۵؛ ۳۵۶-۳۵۷) نامه ی تقی زاده به حکیمی شکایت به سازمان ملل را چند روز دیگر به تعویق انداخت و این تعویق اعتراضاتی را به دولت در پی داشت که از جمله آن دکتر مصدق بود اما تاخیر در شکایت، از یک جهت مطلوب بود زیرا این بار انگلیسیها و امریکاییها خودشان متوجه شدند که نباید مانع شکایت ایران بشوند. بنابراین شکایت ایران به سازمان ملل با همراهی و پشتیبانی این دو کشور همراه شد. در حالی که حکیم الملک تحت فشار استیضاح مجلس باید زودتر استعفا می داد، چندی در برابر مجلس ایستادگی کرد تا شکایت به سازمان ملل صورت گرفت. عنوان شکایت ایران همان مانع شدن عزیمت قوای نظامی ایران به آذربایجان بود. (تقی زاده، ۱۳۶۸: ۲۷۲) روز اول بهمن ماه سال ۱۳۲۴ نخست وزیر حکیمی که با مشکلات سیاسی فراوانی روبرو بود و دیگر شانس مذاکره با دولت شوروی را نداشت چون شوروی با احضار سفیر کبیر خود ماکسیموف و قائم مقام سفیر یعقوب اوف از ایران، روابط خود را بادولت حکیمی خصمانه تلقی می کرد ناچار به استعفا گردید. (گروه جامی، ۱۳۶۲: ۳۲۳) با استعفای حکیمی، احمد قوام به نخست وزیری رسید. قوام در قضیه آذربایجان تقریباً همان سیاست حکیمی را در پیش گرفت با این تفاوت که شوروی نسبت به قوام نظر مثبت تری داشت به همین دلیل قوام بلافاصله به مسکو رفت و حدود ۱۵ روز در مسکو مشغول مذاکره بود که این مذاکرات بی نتیجه ماند و قوام در روز ۱۶ اسفند خاک شوروی را ترک کرد و در مصاحبه ای با خبرنگاران خارجی گفت: «دولت شوروی نمیخواست تقاضای موکد مرا برای تخلیه از قوای شوروی بپذیرد من نیز نمی توانستم بعضی از تقاضاهای دولت شوروی را بپذیرم و چون قشون شوروی ایران را تخلیه نکرد و آذربایجان خودمختاری می خواست لذا هیئت نمایندگی ایران نتوانست از مذاکرات خود نتیجه بگیرد» (خامه ای، ۱۳۳۴: ۲۳۵) در ۲۶ اسفند، قوام شکایتی علیه دولت شوروی مبنی بر عدم تخلیه ایران در موعد مقرر و نقض قرارداد سه جانبه تسلیم شورای امنیت کرد. «مجموعه اقدامات دولت حکیمی و قوام سرانجام ترومن رئیس جمهور امریکا را واداشت که در یکم

فروردین ۱۳۲۵ اولتیماتوم سختی به شوروی بدهد. این اولتیماتوم محرمانه آمریکا که بعدها فاش شد بلافاصله موجب شد که شوروی به تدریج نیروهای خود را تا خردادماه از ایران خارج سازد و از این به بعد فرقه دمکرات فقط از حمایت معنوی شوروی برخوردار بود.

نتیجه گیری

این نوشته در پی آن بود که با یک نگاه همه جانبه دیپلماسی دولت حکیمی را در مساله آذربایجان توصیف و تحلیل کند. حکیمی در شرایطی مسئولیت دولت را برعهده گرفت که فرقه دمکرات در آذربایجان با حمایت شوروی شکل گرفته بود و حکیمی باید این مشکل را همزمان با اصلاحات داخلی، از طریق دیپلماسی فعال در سیاست خارجه در یک فرصت کوتاه حل می کرد. دولت های بعد از شهریور بیست به دلیل مخالفت های مجلس مرتبا تغییر پیدا می کردند و دولت حکیمی باید در حل مشکلات این مساله را در نظر می گرفت که فرصت چندانی به دولت داده نخواهد شد به خصوص که کوتاهی عمر دولت قبلی حکیمی در تاریخ مشروطیت ایران بی سابقه بود. در چنین شرایطی حکیمی در مدتی که مسئولیت دولت را در اختیار داشت سیاست های مختلفی را که بعضا همزمان اجرا می کرد تجربه کرد. مذاکره با فرقه دمکرات و دولت شوروی، مشاوره بانمایندگان مجلس و رجال سیاسی با تجربه کشور، اجرای انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی، درگیر کردن آمریکا و انگلستان در مساله آذربایجان و شکایت به سازمان ملل از جمله سیاست های حکیمی در حل بحران آذربایجان بود. اگر چه مساله آذربایجان در دولت حکیمی به پایان نرسید اما حکیمی موفقیت هایی در این زمینه داشت. حل مساله آذربایجان احتیاج به گذشت زمان داشت که به تدریج شرایط به نفع کشور تمام شود. از نتایج اقدامات حکیمی، درگیر کردن قدرت های بزرگ و دیگر کشورها در سازمان ملل علیه شوروی بود. لازمه چنین حرکتی به سادگی نبود. دولت حکیمی ابتدا سعی کرد با مقامات شوروی در تهران و مسکو تماس پیدا کند که اگر سوء تفاهمی روی داده است دوستانه مرتفع سازد و از آن طرف برای اینکه از بزرگ شدن قضیه جلوگیری نماید فوراً قوایی را مامور رفتن به آن خطه نمود که در شریف آباد توسط نیروهای شوروی متوقف

شد. با توقف نیروهای نظامی، فرقه دمکرات به تدریج در آذربایجان تسلط پیدا کرد و دولت سعی کرد برای اینکه بهانه به دست شورویها ندهد از خونریزی جلوگیری کند. دولت وقتی از مذاکره با روسها ناامید شد با متفقین دیگر یعنی انگلیس و آمریکا تماس پیدا کرد و چون کنفرانس مسکو تشکیل شد تقاضا نمود که در مذاکرات شرکت نماید که دولت شوروی با آن مخالفت کرد. دولت زمانی که از نتیجه کنفرانس مسکو مایوس شد باز به وسیله دو متفق دیگر به مذاکرات خود ادامه داد که آنها خواستار اجرای پیشنهاد کمیته سه جانبه بودند که دولت و مجلس در پایان با آن مخالفت کردند ولی دولت انتخابات انجمن های ایالتی ولایتی را آغاز کرد تا پیشنهاد کمیته سه جانبه به نحوی دیگر اجرا شود. حکیمی با فشار مجلس مجبور به استعفا بود ولی پیش از استعفا، در سازمان ملل شکایت از شوروی را در دستور کار قرار داد.

منابع و ماخذ

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷) **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی تهران: نشر نی.

آرامش، احمد. (۱۳۶۹) **خاطرات احمد آرامش**، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، چاپ اول، تهران: انتشارات جی شیر

بیانی، خانبابا، (۱۳۷۵) **غائله آذربایجان**، چاپ اول، تهران: انتشارات زریاب

خامه ای، انور. (۱۳۶۳) **فرصت بزرگ از دست رفته**، چاپ دوم، تهران: انتشارات هفته.

بولارد، اسکرین، (۱۳۸۲) **شترها باید بروند**، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.

تبرائیان، صفالدین. (۱۳۷۱) **ایران در اشغال متفقین، مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۱۳۲۴**، چاپ اول، تهران: چاپ رسا.

تقی زاده، سید حسن، (۱۳۶۸)، **زندگی طوفانی**، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.

حسنلی، جمیل، (۱۳۸۳) **فراز و فرود فرقه آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیو های اتحاد جماهیر شوروی**، چاپ اول، تهران: ترجمه منصور همای، نشر نی.

درخشانی، علی اکبر، (۱۳۸۴) ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تشکیل فرقه دمکرات، خاطرات علی اکبر درخشانی، تهران: تحقیق، تدوین، ویراسته شاهرخ فرزاد، تهران، انتشارات شیرین زهتاب فرد، رحیم، (۱۳۷۳) **خاطرات در خطرات**. تهران، موسسه انتشاراتی ویراستار. سپهر، احمد علی. (۱۳۷۴) **خاطرات سیاسی مورخ الدوله سپهر**. به کوشش احمد سمیعی، چاپ اول، تهران: نشر نامک.

عظیمی، فخرالدین، (۱۳۷۴) **بحران دمکراسی در ایران**. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بیژن نودری، چاپ دوم، تهران: نشر البرز.

گروه جامی، (۱۳۶۲) **گذشته چراغ راه آینده است**. چاپ اول: تهران، انتشارات نیلوفر.

ناتالییگورووا، (۱۳۸۳)، **بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نویافته شوروی**. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۳۸۳، شماره ۲۰۸، ۲۰۷.

روزنامه ها :

روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۲۴

روزنامه خاور، سال ۱۳۲۴

روزنامه صورت مذاکرات مجلس چهاردهم.

روزنامه ندای آزادی، سال ۱۳۲۴

اسناد منتشر نشده :

اسناد وزارت خارجه: سال ۱۳۲۴، کارتن ۱۲، پرونده ۵. ۴، ۳.

مرکز اسناد ملی: شماره بازیابی ۲۹۳/۳۷۳۲



وزارت جنگ

روزنویس: ستاد ارتش - رکن ۲ شعبه ۴

مورخه:

شماره:

جناب آقای نخست وزیر

محترماً معروضید اردن گزارش زاندارم یکل کشور حاکمی است موقعی که فرمانده گروهان زاندارم
کج برای پرداخت حقوق افراده جمعی بانا طره زنده در شهر پنجشنبه ۱۸/۸/۲۴ ع -
کج بوده در پنج نقطه از سیر هریک فاصله ده تا سه کیلومتر سربازان نیروی در وسط حلقه
جابهادر حاکم مسلسل سبک در دست آنها بوده در از کش و جاده را مراقبت می نمودند و پس از
ورود به کج نیروی نیروی زرفتن مشارالیه بحلی شامعوض و شکی اعلام ممانعت نموده اند -

در روز ۱۸/۸/۲۴
شماره ۲۸۴۰
تاریخ ۱۸/۸/۲۴
۱۳۰۶

وزیر جنگ

۴۹۴۵۷
۷۰۵۲۰
۲۳/۹/۱۳

رونوشت برای اطلاع و اقدام به وزارت امور خارجه فرستاده می شود -

✓ وزیر جنگ

۲۵۹۲۶
۱۳۰۶/۸/۱۸
۱

خ



وزارت پست و تلگراف و تلفن

اداره

رونوشت شماره مورخه وزارت که اصل آن شماره ثبت شد

گزارش ۲۹/۸/۲۹ قزوین

الساعة آقای پستوان دو سامری هوایی به فرمانداری یالیا سبدل وارد شد اظهار
میدارد شب ۲۹ به ستون اعزامی به دینج شش کیلومتری قزوین وارد و شوری هاجلو
گرفته اند و نگذاشتند حرکت نمایند و فعلا سوهنگ دو امجدی با ستون اعزامی در شریف
آباد ۱۲ کیلومتری قزوین متوقف و حتی برای مراجعت هم جلوگیری مینمایند
ساعت ۱۱ شب فرمانده ستون من را مامور نمودند بقزوین آمد و مقداری بنزین حمل نمایم
وقتی که بطرف قزوین میامدم مشاهده شد دوزره پوتر و چهار تانک به دینج جلوستون
اعزامی میرفتند و برای جلوگیری از اتفاقات خود را نمایانه به دینج رساندم کلیه ماشین ها را
متوقف کرد و بودند و نگذاشتند من هم بروم بعد مشاهده شد که تانکها که قوای شوروی در
انها بود وضعیت دفاعی گرفته اند بوسیله ماشین به شهر آمدم مجددا مشغول تجسس
شدم دیدم در سر بازار خانه انها قریب یک گردان حاضر و آمانا نموده بودند فوراً مراجعت
به دینج مراجعت توانی که وضعیت دفاعی گرفته بودند بقزوین صبح ساعت ۶ ونیم
برگشتند مراتب مشروحه فوق به فرمانده ستون گزارش شد و فعلا در شریف آباد میباشند

علی اصغر بهرامی

رونوشت یا اصل یکی است



اداره



وزارت کشور
ژاندارمری کل کشور

دو نوشت. لایحه شماره ۱۷۹۴/۲۹ مورخه ۲۹/۴/۴۹ وزارت کشور که اصل آن بشماره ثبت شد اداره

مخاطبه: مقام محترم

فرمانده مرزانه اردمیر کورسیر و کارشناس ۱۷۹۴/۲۹ مخبره و قید اردو کارشناس ۴۴۷۲/۲۹ ط

۲۴/۸/۲۹

ف. نامه گردان فریدون داصد در ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه ۲۴/۸/۲۹ است که همان قریب است

از اخراج نیز در این امر ازین در دفتر گردان حاضر در اینها و یک نیت بگویند از قریب اینها

رئیس ادارات رفته است اینها در وقت است که ب ۲۴/۸/۲۹ در وقت ۹ کیلومتر فرستاد

مطلب طران مادرین خود بر سر یک گردان سرباز و چهار تا گت در زیره پوش نموده اینها

را متوقف در وقت آنها جلو گیریم چون اینها کارشناسان عین مکرر با عدالت است - ف. نامه مذکور در اینها

ردیافت بر اینها

